

# سور و سوگ



تاریخ‌نگاری نه‌چندان دور، سرزمین لرستان شامل مناطقی از استان فارس، کهگیلویه و بویراحمد، چهارمحال و بختیاری، ایلام و لرستان بود. ایل بزرگ لر در مسیر تاریخ به دلایل مختلف از جمله رقابت‌های درون و برون ایلی و سیاست‌های کنترلی از جانب دودمان‌های حاکم، ابتدا در اوایل قرن چهاردهم ه.ق به دو منطقه لر بزرگ و لر کوچک تقسیم گردید و سپس از دوره صفویه منطقه لر بزرگ به دو قسمت بختیاری و کهگیلویه و از دوره قاجار، لر کوچک نیز به دو منطقه پشتکوه و پیشکوه تقسیم شد، که پشتکوه ایلام و پیشکوه به لرستان موسوم گردید.

کتاب سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری، به قلم محمد حنیف در سال ۱۳۸۶، به همت دفتر پژوهش‌های رادیو به چاپ رسیده است.

این کتاب می‌کوشد بدیع‌ترین میراث فرهنگی اقوام ایرانی را که با گذشت زمان و ماشینی شدن زندگی، رو به فراموشی است، جمع‌آوری و حفظ کند.

■ عنوان: سور و سوگ در فرهنگ عامه لرستان و بختیاری

■ نویسنده: محمد حنیف

■ تهران، ۱۳۸۶

■ ناشر: طرح آینده، ۱۳۵ صفحه

■ سحر برین‌خو

بختیاری‌ها و لرها به امر ازدواج وجود دارد. به عنوان مثال ازدواج درون ایلی در میان بختیاری‌ها اهمیت بسیاری دارد تا جایی که ایشان فرزندان حاصل از ازدواج برون ایلی را از قوم بختیاری به حساب نمی‌آورند. به همین دلیل است که عموماً بختیاری‌ها از نظر شکل و قیافه و تیپ از دیگر اقوام ایرانی یکدست‌تر هستند.

نویسنده در ادامه این فصل به طور مفصل به آیین‌های عروسی در میان اقوام لر و بختیاری اشاره می‌کند و به نقل از کتاب تاریخ بختیاری آورده است:

«شکوه و دبدبه عروسی ایلات و عشایر بیش از شهرهاست و شایان هزاران تحسین و تمجید می‌باشد...»

بیان لالایی‌های متفاوت برای نوزدان دختر و پسر و همچنین آوردن آواهای عروسی به زبان محلی از مطالب زیبای این فصل است.

**فصل دوم** کتاب تحت عنوان «سوگ» به مرگ و باورهای مرگ اختصاص پیدا کرده است.

لرها و بختیاری‌ها بر این باورند که عموم پیران پیش از مرگ چشم انتظار دیدن فرزندان خود هستند و گاه دم آخر را فرو نمی‌دهند تا این مهم حاصل آید. از دیگر باورهای ایشان این است که کسی که با چشم گشاده بمیرد نشان دهنده حرص و طمع او به دنیاست و خندان بودن میت، علامت رستگاری اوست.

آیین‌های عزای نیز همچون آیین‌های سور در لرستان و بختیاری بسیار مفصل است و بستگی به جوان یا پیر بودن متوفی و تشخیص وی، گاه از سه تا ۴۰ روز به طول می‌انجامد.

آواهای مرگ در میان بختیاری‌ها به «گاگریو (بگو و گریه کن)» و «دنگ دال» معروف است که هر دو به معنای حرف‌های ناگفته و نوعی نالیدن به کار می‌روند. در این بخش از کتاب تعداد زیادی از آواهای مرگ به زبان محلی همراه با برگردان فارسی آورده شده است که قابل توجه است.

**فصل سوم** کتاب تحت عنوان «نگاهی به موسیقی سور و سوگ» به طور کلی به تاریخچه موسیقی و رقص در لرستان می‌پردازد. سپس تقسیم‌بندی موسیقی لرستان بیان شده و از موسیقی ترانه‌های غنایی و عاشقانه، موسیقی طنز و حماسی و رزمی در آیین‌های سور لرستان استفاده می‌شود. موسیقی سوگواری نیز عمدتاً در عزای کاربرد دارد.

برای موسیقی و ترانه‌های بختیاری نیز، تقسیم‌بندی موضوعی ارائه شده است. موسیقی و ادبیات تغزلی و موسیقی و ادبیات رزمی، کار و شکارگری و موسیقی سوگ از برجسته‌ترین آواها و موسیقی‌های بختیاری به حساب می‌آید.

نویسنده در این کتاب کوشیده است تا نشان دهد با وجود تفاوت‌هایی که در لفظ مردم بختیاری و لرستان وجود دارد، پیوستگی عمیقی میان آیین‌های سور و سوگ هر دو ناحیه به چشم می‌خورد.

مفاهیم آواهای بختیاری و لرها یکی است. هم بختیاری‌ها و هم لرها، زنان و مردان جنگجوی خود را به عنوان نمادهای رشادت و پایداری موضوع ترانه‌هایی شکوهمند قرار داده‌اند. آواهای دل‌تنگی هر دو قوم بوی غربت و فراق می‌دهد، هر دو قوم سوگنامه‌های عاشقانه‌ای دارند که حاصل عشق‌های ناکام بوده است. ترانه‌های کار تمامی مناطق لر نشین از نگاه محبت‌آمیز لرها و بختیاری‌ها به حیواناتی حکایت دارد که اقتصاد شبانی ایشان بر وجود آنها استوار بوده است.

**فصل اول** کتاب که با عنوان «سور» آمده است، در ابتدا به بیان باورها و آیین‌های لرها به تولد اشاره کرده است.

تولد نوزاد پسر در میان بختیاری‌ها و لرها، بسیار میمون بوده و گاه ممکن است با قربانی نمودن گوسفندی همراه شود. با وجود زندگی مردسالارانه لرها و جایگاه والای نوزاد پسر در باور و آیین این قوم، لالایی‌های خاص دختران هم بر سر زبان‌هاست که وفور چنین اشعار دل‌انگیزی در جامعه‌ای مردسالار، در نوع خود جالب و قابل تأمل بوده و نشان دهنده این مطلب است که محبت مادرانه بر باورهای جامعه برتری جسته است. در یکی از این آواها نوازش مادرانه که در لرستان سروده شده، زن لر ضمن تشبیه کردن گیسوهای دختر خود به رنگین کمان، اعلام می‌کند که دختر خود را حتی به بزرگترین ایلات لرستان هم نمی‌دهد:

دایم دخترم، گیس ما سو هف رنگ

سگون و بیرنون سرش می‌کنن جنگ

سگون و بیرنون بیان بوهورن آش

مه دخترمه نمی‌یم و فراش

(برگردان: مادر من همین دختر است، با موهای هفت رنگ خود، ایلات سگون و بیرنون و بیرانوند بر سر دختر من جنگ می‌کنند، ایلات سگون و بیرانوند برونند آشنان را بخورند، من دخترم را به فراش [پادشاه] هم نمی‌دهم.)

آواهای نوازش و لالایی‌های پسرانه هم جایگاهی خاص در میان اشعار مادران لر و بختیاری دارد.

شکرش کردم شکرونه

کری دیه وم شاگردونه

(برگردان: خداوند را شکر کردم، چه شکر کردنی، زیرا پسری به من به عنوان هدیه عطا کرده است.)

نویسنده در قسمت دوم فصل اول، به باورها و آیین‌های عروسی پرداخته است. پیوند زناشویی در میان بختیاری‌ها و لرها به عنوان یک امر مقدس اهمیت بسیاری دارد. اما تفاوت‌های اندکی میان نگاه